

The Necessity of Designing a Curriculum for Empowering Multi-Grade Classroom Teachers in Golestan Province

1. Abdolkarim Elahi^{ID}: PhD Student, Department of Educational Sciences, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran

2. Hassan Saemi^{ID}*: Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran

3. Ali Asghar Bayani^{ID}: Associate Professor, Department of Educational Sciences, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran

4. Mohammad Mehdi Nadari^{ID}: Assistant Professor, Department of Philosophy, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran

5. Kazem Sharayatnia^{ID}: Assistant Professor, Department of Psychology, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran

*Corresponding Author's Email Address: Ha.saemi@iau.ac.ir

Abstract:

The present study aimed to examine the necessity of designing a curriculum for empowering multi-grade classroom teachers in Golestan Province. To achieve this objective, qualitative data were first collected and analyzed to identify the elements of the empowerment curriculum for multi-grade classroom teachers. In the quantitative phase, based on the qualitative data, a questionnaire was developed, and the quantitative data were analyzed. The results indicated that the necessity of designing an empowerment model for multi-grade classroom teachers comprises 21 concepts, 9 subcategories, and 2 main categories. The structural model fit for the necessity of the teacher empowerment program in multi-grade classrooms demonstrated a standardized coefficient of 0.770 and a t-statistic greater than the standard value of 1.96, which was statistically significant and confirmed. This finding suggests that the impact of the empowerment program is statistically meaningful. Furthermore, with a standardized impact coefficient of 0.770, it can be stated that the necessity of an empowerment program for multi-grade classroom teachers in this study is highly emphasized and significantly influential from the perspectives of experts and teachers working in this field. It appears that while multi-grade classrooms offer advantages such as enhanced social development, environmental adaptability, emotional expression, cooperation, and behavioral maturity among students, they also lead to challenges such as time constraints, lack of educational equipment, weak academic foundations, heavy workload for teachers, and inadequate educational spaces.

Keywords: Qualitative and quantitative methods, necessity of empowerment, structural equation modeling method.

How to Cite: Elahi, A., Saemi, H., Bayani, A. A., Nadari, M. M., & Sharayatnia, K. (2024). The Necessity of Designing a Curriculum for Empowering Multi-Grade Classroom Teachers in Golestan Province, *Management, Education and Development in Digital Age*, 1(1), 115-128.



ضرورت طراحی برنامه درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه در استان گلستان

۱. عبدالکریم الهی^{id}: دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

۲. حسن صائمی^{id*}: استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

۳. علی اصغر بیانی^{id}: دانشیار، گروه علوم تربیتی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

۴. محمد مهدی نادری^{id}: استادیار، گروه فلسفه، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

۵. کاظم شریعتنیا^{id}: استادیار، گروه روانشناسی، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: Ha.saemi@iau.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ضرورت طراحی برنامه درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه در استان گلستان بود. برای این منظور ابتدا داده‌های کیفی برای کشف عناصر برنامه‌درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه جمع‌آوری و مورد تحلیل قرار گرفت. در مرحله کمی بر اساس داده‌های کیفی، پرسشنامه‌ای تهیه و داده‌های کمی مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که داده‌های مربوط به ضرورت طراحی الگوی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چند پایه دارای ۲۱ مفهوم، ۹ مقوله فرعی و ۲ مقوله اصلی است. برازش الگوی ساختاری تحقیق برای ضرورت برنامه توانمندسازی معلمان کلاس‌های چند پایه، ضریب استاندارد ۰/۷۷۰ و آماره تی بالاتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶ را نشان داد که معنی‌دار بوده و از نظر آماری مورد تأیید است. یعنی نشان دهنده معنی دار بودن این اثرگذاری است. همچنین با ضریب تاثیرگذاری ضریب استاندارد ۰/۷۷۰ می‌توان بیان نمود که ضرورت برنامه توانمند سازی معلمان کلاس‌های چند پایه در این پژوهش از دید نخبگان و همچنین معلمان شاغل در این حوزه بالا و بسیار تاثیرگذار است. به نظر می‌رسد کلاس‌های چندپایه در عین داشتن محاسنی همچون بالا بودن میزان رشد اجتماعی، سازگاری محیطی، بیان عواطف، روحیه همکاری و پختگی رفتاری دانش‌آموزان منجر به کمبود وقت، فقدان تجهیزات آموزشی، ضعف بنیه علمی، سنگینی حجم کار آموزگاران و فضای نامناسب آموزشی می‌شود.

کلیدواژگان: روش‌های کیفی و کمی، ضرورت توانمندسازی، روش مدل‌یابی معادلات ساختاری.

نحوه استناددهی: الهی، عبدالکریم، صائمی، حسن، بیانی، علی اصغر، نادری، محمد مهدی، و شریعتنیا، کاظم. (۱۴۰۳). ضرورت طراحی برنامه درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه در استان گلستان. نشریه مدیریت، آموزش و توسعه در عصر دیجیتال، ۱(۱)، ۱۱۵-۱۲۸.



مقدمه

دستیابی به آینده مطلوب در نظام تعلیم و تربیت، مستلزم توانمندسازی حرفه‌ای معلمان، متناسب با نیازهای دانش‌آموزان است. تربیت دانش‌آموزان فردا، مستلزم آمادگی لازم معلمان در آموزش، تدریس و یادگیری انواع مهارت‌ها و دانش لازم در مواجهه با تغییرات پیش‌روست. معلمان باید برای آینده آماده باشند تا در گستره جهانی و زندگی در حکم یک عضو فعال جامعه به ایفای نقش بپردازند (Izan et al., 2022; Mojouni & Rahimi, 2024). از جمله بحث‌هایی که امروز مطرح می‌شود، این است که معلمان تا چه میزان توانمندی و آمادگی مناسب برای ورود به فردا و مدرسه‌های آینده، را پیدا کرده‌اند؟ سازمانهای آموزشی و مدارس عامل اصلی و کلیدی در توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند (Abdollahi, 2023).

ایجاد یک سیستم آموزشی آینده‌گرا، بدون توجه به نقش معلمان و اینکه چه می‌دانند و متعهد به انجام چه چیزی هستند، نمی‌تواند انجام شود. با این حال، بسیاری از معلمان امروز برای این کار به خوبی آماده نیستند و اکثر برنامه‌های یادگیری حرفه‌ای برای رسیدن به نوع «عملیات مورد نیاز آینده» مورد توجه قرار نگرفته‌اند (Zeinalpoor & Zeinalpoor, 2023). لزوم توجه به برنامه درسی در توانمندسازی معلمان، به منظور تقویت دانش، مهارت و نگرش، از اهمیت بالایی برخوردار است (Alimohammadi et al., 2019). برخی محققان بر این باورند که خلاً الگوی مناسب برای تربیت معلمان آموزش و پرورش موجب بروز آشفته‌گی و سردرگمی در شیوه تربیت و تأمین منابع انسانی در دستگاه تعلیم و تربیت شده است که کاهش چشمگیر کارآمدی و اثربخشی آنان از عواقب ناگوار آن است (Izan et al., 2022). تعدادی از محققان، کمبود توانایی فراشناختی در نظام‌های آموزشی را ذکر کرده و معتقدند توانایی‌های فراشناختی در مقابله با پیچیدگی و درک دنیای اطراف ما نقش مهمی دارد و نبود سیاست‌های ارزیابی دقیق و روش‌های مؤثر آموزش این مهارتها احساس می‌شود (Alvarez, 2018). در اسناد بالادستی آموزش و پرورش، به ویژه سند تحول بنیادین (Bazrafshan Moghadam et al., 2016) بر توانمندسازی معلمان تأکید شده است. از طرف دیگر، توانمندسازی برای آمادگی کلاس‌های چندپایه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کلاس‌های چند پایه زمانی شکل می‌گیرد که در یک کلاس دو یا چند دانش آموز از سطوح چند پایه حضور داشته باشند (Msimanga, 2020). کلاس‌های چندپایه، روشی مؤثر برای افزایش دسترسی به آموزش در مناطق روستایی است. این طرح، علاوه بر آنکه مسأله غیراقتصادی بودن کلاس‌های کم تعداد را حل می‌کند، پایه‌های تحصیلی را نیز تکمیل می‌نماید. انتخاب کلاس‌های چندپایه در آموزش و پرورش کشورها راه حل انتخاب اصلی، یعنی کلاس‌های رایج در مدارس عادی نیست، بلکه این انتخاب، انتخاب بین دسترسی به آموزش و پرورش و یا محرومیت از آن است که در اکثر موارد بر اساس نیاز ایجاد شده‌اند. بنابراین، تفاوتی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در استفاده از این کلاس‌ها وجود ندارد (Mortazavizadeh et al., 2017). تحقیقات نشان داده است تشکیل و ارتقای کلاس‌های چندپایه در کشورهایی مثل آمریکا و کانادا نه از روی اجبار بلکه به منظور تحقق اهداف بلندمدت صورت می‌گیرد (Hamidizadeh, 2022). معلمان در این گونه کلاس‌ها با مشکلات عدیده‌ای نظیر فقدان فضای آموزشی مناسب، محدودیت زمان آموزش، نبود و یا کمبود امکانات و تجهیزات آموزشی، بی‌ رغبتی اولیا برای تحصیل فرزندان و کمبود علاقه و انگیزه در خود دانش‌آموزان، مواجه هستند. بر این اساس، سؤالی که مطرح می‌شود این است که با توجه به مشکلات موجود، معلم چندپایه چگونه می‌تواند همه دانش‌آموزان را با سطوح متفاوت بلوغ، توانایی، علاقه و انگیزه اداره کند و تحقق اهداف پیش‌بینی شده را پیگیری نماید (Abdollahi, 2023; Akdaş & Kalman, 2021). با توجه به این موضوع کلاس‌های چندپایه دارای ویژگی‌های خاصی نظیر موارد فوق است و توانمندی مناسب معلمان را می‌طلبد. برای توانمندسازی معلمان نیز باید برنامه درسی طراحی گردد و خطوط اصلی آموزش در این زمینه مشخص گردد. پژوهش حاضر در همین راستا طراحی شده است تا به بررسی ضرورت برنامه درسی جهت توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه در استان گلستان بپردازد و در این مسیر راهگشا باشد.

روش‌شناسی پژوهش

در این مطالعه از روش آمیخته جهت بررسی ضرورت توانمندسازی معلمان استفاده شد. در روش آمیخته پژوهشگر عناصری از هر دو رویکرد را جمع‌آوری، تحلیل و داده‌ها را تفسیر می‌نماید. در این پژوهش، از طرح تحقیق آمیخته متوالی اکتشافی استفاده شد. در طرح متوالی اکتشافی، ابتدا پژوهشگر داده‌های کیفی را با استفاده از روش کدگذاری



جمع‌آوری و تحلیل می‌نماید، بعد با استفاده از رویکرد کمی نتایج حاصل از مرحله کیفی را مورد بررسی دقیق قرار می‌دهد. به طور معمول، در طرح اکتشافی متوالی، هدف، اکتشاف مفاهیم و سازه‌های مرتبط با پدیده مورد مطالعه است. بنابراین، در پژوهش حاضر ابتدا داده‌های کیفی برای کشف عناصر برنامه درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه جمع‌آوری شدند و مورد تحلیل قرار گرفتند و در مرحله کمی بر اساس موارد کشف شده از داده‌های کیفی، پرسشنامه‌ای تهیه شده و داده‌های کمی مدل‌سازی و مورد تحلیل قرار گرفتند. روش تحقیق در بخش کیفی، تحلیل محتوای کیفی از نوع قراردادی بود. تحلیل محتوای قراردادی زمانی مناسب است که نظریه‌های موجود یا ادبیات تحقیق درباره پدیده مورد مطالعه محدود باشد. در این حالت پژوهشگران از به‌کاربردن طبقه‌های پیشین پرهیز می‌کنند و به جای آن از طبقه‌هایی که از داده‌های جدید به دست آمده استفاده می‌کنند. اطلاعات گردآوری شده از طریق مصاحبه و اسناد تحلیل می‌شوند و این تحلیل داده‌ها تا جایی ادامه می‌یابد تا به درکی کامل برسند. محقق بر اساس درک و فهم خود از متن، تحلیل اولیه را آغاز می‌کند و این کار را ادامه می‌دهد تا به رمزها برسد. سپس با دسته‌بندی رمزها بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها به مقوله‌ها دست می‌یابد. در پژوهش حاضر نیز با تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، مفاهیم استخراج گردید و سپس با دسته‌بندی مفاهیم، زیرمقوله‌ها و مقوله‌های اصلی مشخص شد. روش تحقیق در بخش کمی پیمایشی بود. پس از کشف عناصر برنامه‌درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه، پرسشنامه محقق‌ساخته بر اساس اطلاعات حاصل از مرحله کیفی، تهیه شد و بر روی نمونه‌های مورد نظر اجرا شد. جامعه آماری در بخش کیفی شامل اسناد و مدارک مرتبط به موضوع تحقیق و همچنین متخصصان آموزش ابتدایی و برنامه درسی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بود. در بخش کمی جامعه آماری تحقیق شامل تمام معلمان کلاس‌های چندپایه در استان گلستان به تعداد ۷۵۶ نفر بود. نمونه‌ها در بخش کیفی شامل اسناد و مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. نمونه‌گیری هدفمند یک روش نمونه‌گیری غیر تصادفی است که در آن افراد یا عناصری از جامعه بر مبنای مناسب بودن آن‌ها با هدف مورد مطالعه بررسی و انتخاب می‌کنند.

این پژوهش نیز به صورت هدفدار از اسناد و مدارکی استفاده شد که با موضوع تربیت مرتبط بودند. همچنین مشارکت‌کنندگان در مصاحبه، متخصصان آموزش پیش دبستانی و برنامه‌ریزی درسی بودند؛ در واقع، کسانی به عنوان نمونه انتخاب می‌شوند که در زمینه توانمندسازی معلمان چندپایه و نیز برنامه درسی بیشترین اطلاعات را داشته باشند. همچنین نمونه‌گیری تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. منظور از اشباع داده‌ها این است که نمونه‌گیری تا زمانی ادامه دارد که پژوهشگر به این نتیجه برسد که مشارکت‌کنندگان دیگر اطلاعات جدیدی ارائه نمی‌دهند. که ۱۵ نفر از متخصصین در این حوزه حاضر به همکاری با محقق شدند. حجم نمونه در بخش کمی بر اساس جدول کرجسی و مورگان ۳۷۹ نفر بود. در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. در مصاحبه نیمه ساختاریافته از مشارکت‌کنندگان سوال‌های مشابهی پرسیده می‌شود و این امکان برای آن‌ها وجود دارد که پاسخ خود را به هر شکلی که تمایل دارند ارائه دهند. همچنین در ضمن مصاحبه ممکن است سؤالات جدیدی پیش آید که به آن‌ها پاسخ داده می‌شود. قبل از مصاحبه در مورد اهداف مطالعه، علت ضبط مصاحبه، محرمانه بودن اطلاعات و هویت مشارکت‌کنندگان به آن‌ها اطلاعات داده شد و ابهامات برطرف شد. ابزار گردآوری اطلاعات قسمت کمی شامل پرسشنامه محقق‌ساخته بود که بر اساس نتایج حاصل از مرحله کیفی تدوین شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از روش تحلیل محتوای کیفی از نوع قراردادی (استقرائی) استفاده شد. در این نوع تحلیل محتوا بر اساس ادراک و فهم خود از متن مورد مطالعه، نوشتن تحلیل اولیه را شروع می‌کند و این کار ادامه می‌یابد تا کدها (مفاهیم) استخراج شود. سپس مفاهیم بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های خود مقوله‌بندی می‌شوند. این مقوله‌بندی از سازماندهی کردن و گروه‌بندی کردن کدها به صورت خوشه‌های معنی‌دار حاصل می‌شوند. بسته به کیفیت ارتباط بین زیرمقوله‌ها، محقق با ترکیب و سازماندهی این زیرمقوله‌ها آن‌ها را به تعداد کمتری دسته‌بندی می‌کند. در عمل فرایند کدگذاری به این صورت بود که ابتدا مصاحبه‌ها به صورت مکتوب درآمده و به دقت روخوانی شده و مفاهیم با استفاده از کدگذاری باز استخراج شدند. سپس، مفاهیم بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های خود با استفاده از روش کدگذاری محوری به زیرمقوله‌ها اختصاص یافتند و زیرمقوله‌ها حاصل شدند. در پایان زیرمقوله‌ها با روش کدگذاری انتخابی به مقوله‌های اصلی اختصاص یافتند و مقوله‌های اصلی به دست آمدند. در بخش کمی مدل مفهومی پژوهش با استفاده از نرم افزار PLS با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

در این بخش از پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوی کیفی اطلاعات جمع‌آوری شده از ابزار مصاحبه با استفاده از روش تکنیک کدگذاری سه گانه تحلیل شد. نتایج حاصل از مصاحبه با ۱۵ فرد صاحب دانش و تجربه (جدول ۱) در خصوص توانمندسازی معلمان با تمرکز بر معلمان چند پایه در این کدگذاری‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

جدول ۱. ویژگی‌های صاحبان دانش در خصوص ضرورت توانمندسازی معلمان با تمرکز بر معلمان چند پایه

فرد مصاحبه شونده	سن	تحصیلات	شغل	سابقه کار
مصاحبه شونده شماره ۱	۴۷	کارشناسی ارشد	معلم	۲۳
مصاحبه شونده شماره ۲	۳۳	کارشناسی ارشد	معلم	۷
مصاحبه شونده شماره ۳	۴۰	دکتری	معلم	۱۵
مصاحبه شونده شماره ۴	۴۴	کارشناسی ارشد	معلم	۱۲
مصاحبه شونده شماره ۵	۵۵	کارشناسی ارشد	معلم	۲۰
مصاحبه شونده شماره ۶	۲۹	کارشناسی ارشد	معلم	۳
مصاحبه شونده شماره ۷	۳۱	کارشناسی ارشد	معلم	۷
مصاحبه شونده شماره ۸	۳۳	کارشناسی ارشد	معلم	۷
مصاحبه شونده شماره ۹	۴۱	کارشناسی ارشد	معلم	۱۲
مصاحبه شونده شماره ۱۰	۴۲	دکتری	معلم	۱۸
مصاحبه شونده شماره ۱۱	۴۶	دکتری	کارشناس	۲۱
مصاحبه شونده شماره ۱۲	۴۷	دکتری	معلم	۲۰
مصاحبه شونده شماره ۱۳	۳۸	کارشناسی ارشد	کارشناس	۵
مصاحبه شونده شماره ۱۴	۲۹	کارشناسی ارشد	کارشناس	۴
مصاحبه شونده شماره ۱۵	۳۵	کارشناسی ارشد	معلم	۸

جدول ۲. مقوله‌های اصلی، فرعی و مفاهیم برآمده از مصاحبه‌ها

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
عدم وجود برنامه مدون	لزوم برنامه ریزی و ایجاد هماهنگی در شرایط	ضرورت برنامه ریزی و هماهنگی برای تدوین
نبود مرجع معتبر علمی برای تعیین شیوه کار	وجود چالش‌های جدید و لزوم عبور از آن‌ها برای معلمان	برنامه درسی به دلیل شرایط بومی و فردی
عدم توجه مناسب در زمینه ایجاد الگوی کار		
ناهماهنگی بین مراجع بالا دستی و شرایط در کلاس - های درس		
وجود چالش‌های جدید برای معلمان و نبود برنامه مدون		
وجود چالش اجبار به مدیریت کلاس و لزوم کسب توانایی مناسب در این زمینه		
وجود کلاس‌های چند پایه	الزام به دلیل شرایط بومی	
شرایط بومی		
نیازهای بومی		
نداشتن صرف اقتصادی برای استخدام چندین معلم	کاهش تعداد دانش آموزان معلم و لزوم ادغام کلاس ها	
کاهش تعداد دانش آموزان	نبود فضای مناسب و کافی و اجبار به چند پایه بودن کلاس‌ها	
کمبود دانش آموز		
کمبود نیرو		
تعدد مدارس با کلاسهای چند پایه		

نیود فضای مناسب و لزوم ادغام مدارس

لزوم افزایش خلاقیت شغلی

لزوم هماهنگی بین توانمندی معلمان با شرایط موجود

لزوم افزایش دانش

ضرورت افزایش خلاقیت در حوزه شغلی معلمان

نیاز به هماهنگی بین توانایی و شرایط معلمان

نیاز به ارتقای خلاقیت معلمان

لزوم همسان سازی توانمندی معلمان با شرایط موجود

عدم شناخت مناسب نسبت به شرایط تدریس

عدم تقویت مناسب مهارت آموزشی و لزوم تقویت کیفیت بالندگی آموزشی

افزایش نیازهای آموزشی

کاهش کیفیت آموزشی دانش آموزان

تحصیل

کاهش میانگین نمرات

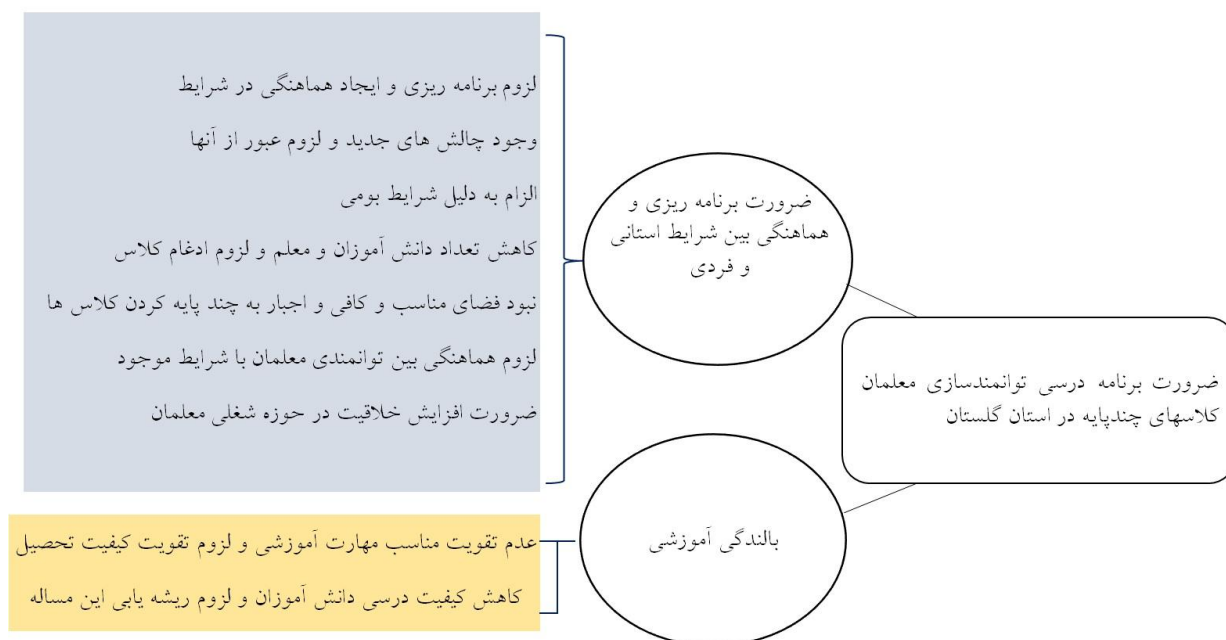
کاهش کیفیت درسی دانش آموزان و لزوم ریشه یابی این مساله

گیجی و ابهام دانش آموزان

تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به ضرورت طراحی الگوی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چند پایه ۲۱ مفهوم، ۹ مقوله فرعی و ۲ مقوله اصلی به دست آمد که عبارت است از: "ضرورت برنامه ریزی و هماهنگی بین شرایط بومی و فردی و همچنین بالندگی آموزشی". مقوله اصلی اول خود دارای ۷ مقوله فرعی است. درخصوص مقوله فرعی اول "لزوم برنامه ریزی و ایجاد هماهنگی در شرایط" مصاحبه شونده شماره یک ذکر نمود که به نظر من لازم است که یک برنامه جامع برای کلاس‌های چند پایه تدوین و طراحی شود چون از نظر من در نظام آموزشی در این خصوص برنامه ریزی مناسب وجود ندارد، باید به تقویت شدن معلمان و گذراندن دوره مناسب این شرایط توجه شود، نیاز است که معلم برای این شرایط آماده شود، باید نگاه جامع تری در این خصوص وجود داشته باشد، باید تعمیق نگاه صورت بگیرد شرایط واقع‌گرایانه‌تر بررسی شود. درخصوص مقوله فرعی "وجود چالش‌های جدید و لزوم عبور از آن‌ها برای معلمان" مصاحبه شونده شماره ۹ بیان نمود که: معلمان تازه‌کار در این فضای حرفه‌ای با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه می‌شوند. اکنون آن‌ها نقش جدیدی را دارند و باید مسئولیت یادگیری دانش‌آموزان خود را برعهده بگیرند. آن‌ها باید به یک حوزه جدید عادت و با همکارانشان کار کنند، با دانش آموزان ارتباط بگیرند، یک موضوع را به صورت انگیزشی تدریس کنند، بفهمند که چه نوع معلمی هستند یا می‌خواهند باشند و هویت حرفه‌ای خود را کسب کنند، همین امر باعث می‌شود که این معلمان با چالش‌های زیادی روبرو شوند و نیاز باشد یک الگوی کلی در این خصوص وجود داشته باشد که معلمان تازه کار بتوانند در این زمینه تقویت شوند. در رابطه به مقوله فرعی "الزام به دلیل شرایط بومی" مصاحبه شونده شماره ۲ گفته است که: با توجه به شرایط و لزوم برگردان شدن کلاس‌های چند پایه در برخی از مدارس به خصوص در استان لازم است که معلمان در این زمینه توانمندتر بشوند تا بتوانند از عهده این مسئولیت بزرگ برآیند. در این استان با توجه به کمبود امکانات در پاره‌ای از مواقع چاره‌ای جز چندکلاسه کردن مدارس نیست و مسئولین مجبور به ادغام کلاس‌ها هستند، معلم این کلاس‌ها باید توانایی لازم برای مدیریت این شرایط را داشته باشد. در زمینه مقوله فرعی "کاهش تعداد دانش آموزان و معلم و لزوم ادغام کلاس‌ها" مصاحبه شونده شماره ۵ نیز گفته است که: کاهش تعداد دانش‌آموزان در مناطق مختلف و نبود صرفه اقتصادی برای آموزش پرورش و استفاده از یک معلم برای چندین پایه از جمله مسائلی است که از دید من سبب شده است که نیاز به توانمندسازی معلمان کلاس‌های چند پایه بیشتر نمود پیدا کند. همچنین مصاحبه شونده شماره ۶ گفته است: شرایط بومی حاکم و کمبود دانش‌آموز و معلم به نظر من از جمله مسائلی است که سبب شده است نیاز به این امر محسوس‌تر شود، خواسته و ناخواسته تعداد دانش‌آموزان کم شده است، برگزاری چند کلاس و داشتن چند معلم در پاره‌ای مواقع صرفه اقتصادی ندارد و با توجه به کمبود بودجه لازم است که راهکاری مناسب در این زمینه اتخاذ شود. در مورد مقوله فرعی "لزوم هماهنگی بین توانمندی معلمان با شرایط موجود"، مصاحبه شونده شماره ۱ گفته است: برای توانمندسازی نیروی انسانی در آموزش و پرورش و مدارس چند پایه باید بیشتر بر توانایی کنترل محیط و همچنین خلاقیت معلمان تاکید شود تا بتوانند با این ویژگی‌ها روش‌های خلاقانه‌تری برای تدریس استفاده کنند. همچنین مصاحبه شونده شماره ۳ گفته است: لزوم افزایش دانش معلمان در خصوص شرایطی که در آن قرار دارند، ارتقای خلاقیتی شغلی معلمان از جمله ضرورت‌هایی است که باعث میشود تا توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. مصاحبه شونده شماره ۱۳ نیز گفته است: با توجه به شرایطی که من چندین ساله در این استان دیدم و با توجه به اقتضای موجود، معلمان در بعضی مواقع توانایی لازم برای اداره کلاس را ندارند، تنوع پایه‌های موجود در کلاس باعث می‌شود که

معلم خود دچار ابهام شود و همین ابهام برای دانش آموز نیز ایجاد می شود و به همین دلیل لازم بود توانایی معلمان با حجم کار در کلاس های چندپایه یکسان سازی شود تا از افت محسوس کیفیت تحصیلی دانش آموزان جلوگیری شود. همچنین در رابطه با مقوله فرعی "ضرورت افزایش خلاقیت در حوزه شغلی معلمان" که یکی از ارکان اصلی در ارائه درس در کلاس های چند پایه است به گواه مبانی نظری در همین خصوص مصاحبه شونده شماره ۱۴ بیان نمود که: هر معلمی با بالا رفتن تجربه اش پی خواهد برد که باید به برخی کارهای ضروری در کلاس درس توجه نماید، بعضی اعمال را نباید انجام دهد و خود را در کلاس برای دقایقی به جای شاگردان فرض نماید. تجربه نشان داده معلمان که در کلاس درس فعالیت و تحرک بیشتری داشته، به شغل خود علاقه و عشق می ورزند، هدف های متنوعی دارند، درگیری ها و جنگ اعصاب کمتری داشته باشند، دیرتر از دیگران فرسوده و شکسته خواهند شد و همیشه به عنوان فردی شاداب و با نشاط و موفق در شغل خود نزد دیگران شناخته خواهند شد. متأسفانه برخی معلمان، تدریس را با در آوردن سؤال و جواب تمام متن توسط خودشان، اشتباه گرفته اند، این کار علاوه بر اینکه باعث کاهش خلاقیت و کاوشگری دانش آموز می شود بلکه معلم را خسته کرده و دانش آموز چیز تازه ای یاد نخواهد گرفت، پس لازم است معلمان روش های ایجاد خلاقیت را ابتدا خود بیاموزند و سپس به دانش آموزان منتقل کنند.

"بالتدگی آموزشی" یکی دیگر از مقوله های اصلی به دست آمده بود که خود دارای دو مقوله فرعی است. در این خصوص مصاحبه شونده شماره ۱۵ بیان نمود: کتمان مشکل هیچ وقت نمی تواند راهگشا باشد، برای عبور از شرایط موجود لازم است که اول مشکل را قبول کرد؛ اینکه ما بگوییم این به دلیل عدم توانایی دانش آموزان است، غلط و به نوعی پوشاندن ضعف است، دانش آموز به وسیله معلم تعلیم می بیند؛ تقویت معلم باعث تقویت دانش آموز می شود، با توجه به همین امر می توان گفت که ضروری است معلمان کلاس های چند پایه چه بسا بسیار بیشتر از سایر معلمان تقویت شوند. در مورد مقوله فرعی "عدم تقویت مناسب مهارت آموزشی و لزوم تقویت کیفیت تحصیل" نیز مصاحبه شونده شماره ۷ گفته است: نیاز روز افزون در حوزه آموزش، کاهش کیفیت آموزشی دانش آموزان، لزوم افزایش دانش معلمان، ارتقای خلاقیتی شغلی معلمان از جمله مواردی است که سبب شده است توانمندسازی معلمان ضروری به نظر برسد. و نهایتاً در مورد مقوله فرعی "کاهش کیفیت درسی دانش آموزان و لزوم ریشه یابی این مساله" مصاحبه شونده شماره ۱ گفته است: می توان در این زمینه به مسایل و مشکلات زیادی اشاره کرد ولی با توجه به تجربه ای که داشته ام می توانم به عدم وجود وقت کافی، نبود توانایی متناسب، کاهش کیفیت، نرساندن برنامه های درسی، دچار ابهام شدن دانش آموزان اشاره نمود.



شکل ۱. الگوی ضرورت طراحی برنامه توانمند سازی معلمان کلاس های چند پایه در استان گلستان

یافته‌های کمی مربوط به جنسیت پاسخگویان نشان داد که ۳۱/۲۵ درصد (۱۲۰ نفر) از پاسخگویان زن و ۶۸/۷۵ درصد (۲۵۹ نفر) نیز مرد هستند. نتایج مربوط به سن پاسخگویان نشان داد که پاسخگویان با محدوده سنی کمتر از ۲۵ سال با ۵/۲۱ درصد دارای کمترین فراوانی و گروه سنی ۳۶-۴۵ سال با ۴۸/۱۷ درصد بیشترین میزان فراوانی را به خود اختصاص داده اند. یافته‌های مربوط به تحصیلات پاسخگویان نشان داد: که دارندگان دکتری و بالاتر با ۲۶ درصد کمترین تعداد و پاسخگویان با مدرک کارشناسی‌ارشد با ۴۴ درصد بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۳).

جدول ۳. فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب سن و تحصیلات

متغیر	فراوانی	درصد
سن (سال)		
کمتر از ۲۵ سال	۲۰	۵/۲۱
۲۶ تا ۳۵ سال	۴۵	۱۱/۷۲
۳۶ تا ۴۵ سال	۱۸۰	۴۸/۱۷
۴۶ تا ۵۵ سال	۱۰۰	۲۶/۰۴
بیش از ۵۶ سال	۳۴	۸/۸۵
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰
تحصیلات		
کارشناسی	۱۱۲	۳۰
کارشناسی‌ارشد	۱۷۹	۴۴
دکتر و بالاتر	۸۸	۲۶
جمع کل	۳۷۹	۱۰۰

در این پژوهش برای بررسی توزیع نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد. در این آزمون اگر سطح معنی‌داری برای کلیه متغیرها بزرگتر از ۰/۰۵ به دست بیاید توزیع داده‌ها نرمال می‌باشد؛ در غیر اینصورت توزیع داده‌ها غیرنرمال می‌باشد. نتایج این بررسی نشان داد که هر دو مقوله اصلی تحقیق نرمال نمی‌باشند. بنابراین برای بررسی ارتباط بین متغیرها از مدل معادلات ساختاری با نرم‌افزار Smart Pls استفاده شد. در حالی که نرم‌افزارهای آموس و لیزرل تنها می‌توانند مدل معادلات ساختاری را در داده‌هایی با توزیع نرمال اجرا کنند و در توزیع داده‌های غیرنرمال مدل را اجرا نمی‌کنند.

جدول ۴. نتایج مربوط به بررسی نرمال بودن مولفه‌های تحقیق

متغیر	مقدار Z	سطح معنی‌داری	نتیجه
ضرورت برنامه ریزی و هماهنگی بین شرایط استانی، فردیدر حوزه کلاس‌های چند پایه	۰/۰۷۹	۰/۰۰۰	غیر نرمال
بالندگی آموزشی	۰/۰۸۸	۰/۰۰۰	غیر نرمال

جهت بررسی روایی تحقیق از تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد در تحلیل عاملی تاییدی، کلیه بارهای عاملی که دارای ضریب بالای ۰/۵ و سطح معنی‌داری (t-value) آن‌ها بیشتر از ۱/۹۶+ یا کمتر از ۱/۹۶- (در سطح ۰/۰۵) هستند تأیید می‌شوند و نشانگر این امر هستند که گویه‌ها شاخص‌های خوبی برای متغیرها بوده و گویه‌ها بدرستی متغیر موردنظر را خواهند سنجید. نتایج مشخص نمود که کلیه گویه‌های مورد بررسی دارای بار عاملی بالای ۰/۵ و مقادیر معنی‌داری بالای ۱/۹۶+ می‌باشند. بر این اساس می‌توان گفت که گویه‌ها دقیقاً متغیرهای پیش‌بینی شده در پرسشنامه را اندازه‌گیری کرده‌اند.

جدول ۵. نتایج تحلیل عاملی تاییدی گویه‌ها (بار عاملی و سطح معنی‌داری)

متغیر	نشانگر گویه	بار عاملی	سطح معنی‌داری
ضرورت و مسایل توجه به توانمند سازی	X1	۰/۵۷۶	۱۹/۱۱
	X2	۰/۶۰۴	۱۸/۵۷
	X3	۰/۷۲۹	۵۳/۰۳
	X4	۰/۹۲۶	۴۵/۹۳
	X5	۰/۸۸۶	۳۳/۶۵
	X6	۰/۸۱۰	۲۲/۵۴

روایی همگرا^۱ یک سنجه کمی هست که میزان همبستگی درونی و هم‌سویی گویه‌های سنجش یک مقوله را می‌سنجد. مفهوم روایی پرسشنامه (اعتبار) به این سؤال پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را مورد سنجش قرار می‌دهد. هرگاه یک سازه (متغیر پنهان) براساس چند گویه (متغیر مشاهده پذیر) اندازه‌گیری شود همبستگی بین گویه‌های آن بوسیله روایی همگرا قابل بررسی می‌باشد. اگر همبستگی بین بارهای عاملی گویه‌ها بالا به دست بیاید، پرسشنامه دارای روایی همگرا است. این همبستگی برای اطمینان از این که آزمون آنچه را که باید سنجیده شود می‌سنجد، ضروری می‌باشد. برای روایی همگرا باید میانگین واریانس استخراج شده (AVE) به دست بیاید. نتایج نشان داد که مقدار آلفای کرونباخ و (پایایی ترکیبی) CR بالای ۰/۷ و مقدار میانگین واریانس استخراج شده بالای ۰/۵ است، بنابراین سازه‌ها از روایی همگرای مناسب برخوردار بودند.

جدول ۶. شاخص‌ها و مقادیر به دست آمده برای تعیین روایی همگرای مقیاس

نام متغیر	Cronbachs Alpha	rho_A	CR	AVE
ضرورت و مسایل توجه به توانمند سازی	۰/۹۱۱	۰/۹۱۳	۰/۹۴۴	۰/۷۴۸

آلفای کرونباخ (Cronbachs Alpha) = مقدار قابل قبول بالای ۰/۷؛ ضریب اعتبار (rho_A) = مقدار قابل قبول بالای ۰/۷؛ Composite Reliability (CR): پایایی ترکیبی (ضریب قابلیت اطمینان ساختاری) = مقدار قابل قبول بالای ۰/۷ و Average Variance Extracted (AVE): میانگین واریانس استخراج شده = مقدار قابل قبول بالای ۰/۵

با توجه به برازش مناسب الگوی توانمندسازی و نتایج جدول ۷ می‌توان برازش الگوی ساختاری تحقیق برای ضرورت برنامه توانمندسازی معلمان کلاس‌های چند پایه با ضریب استاندارد ۰/۷۷۰ و با داشتن آماره تی بالاتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶ معنی‌دار دانست و از نظر آماری مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۷. شاخص‌ها و مقادیر به دست آمده برای تعیین معنی‌داری شاخص ضرورت توجه به توانمند سازی

نام متغیر	R	T	p	نتیجه
ضرورت و مسایل توجه به توانمند سازی	۰/۷۷۰	۱۳/۰۹	۰/۰۰	قبول

برای بررسی میزان دقیق بودن و قوت مدل و تناسب مدل از یک سری معیارها استفاده می‌شود که یکی از این معیارها ۲Q است که این معیار به بررسی تناسب پیش‌بینی مدل می‌پردازد که مقدار آن باید بیشتر از ۰/۳ باشد. در این صورت مدل از تناسب خوبی برخوردار است، معیار دیگر SRMR است که این مقدار نیز باید کمتر از ۰/۰۸ باشد و همچنین معیار NFI است که هرچه قدر به یک نزدیک باشد از تناسب بیشتری برخوردار است. نتایج بررسی میزان شاخص ۲Q مشخص نمود که مقدار آن ۰/۷۷۴ است. همچنین مقدار شاخص SMIR ۰/۷۴۴ و همچنین NFI برابر با ۰/۸۸۹ است. نتایج حاصل از آماره‌های برازش مدل نشان می‌دهد مقادیر به دست آمده نشان دهنده برازش بسیار مناسب مدل است و مدل به دست آمده از تحقیق دارای برازش بسیار مناسبی است.

¹ Convergent Validity

بحث و نتیجه گیری

بررسی های صورت گرفته در بخش کیفی نشان داد که عوامل مختلفی باعث شده است که توانمندسازی معلمان در کلاس های چند پایه به صورت ضرورت و مساله در آموزش و پرورش در بیاید (Akdaş & Kalman, 2021)، مقوله های فرعی که در این خصوص شناسایی شد به این صورت می باشد که برنامه ریزی و ایجاد هماهنگی در شرایط موجود، الزام به دلیل شرایط بومی استان، کاهش تعداد دانش آموزان و معلمان و لزوم ادغام کلاس ها، لزوم هماهنگی بین توانمندی معلمان با شرایط موجود و ضرورت افزایش خلاقیت در حوزه شغلی معلمان و همچنین مشکلاتی مانند عدم تقویت مناسب مهارت آموزشی و لزوم تقویت کیفیت تحصیلات از جمله مقوله هایی بودند که از طرف گروه نخبگانی به صورت عوامل و ضرورت های طراحی الگوی برنامه درسی توانمندسازی معلمان کلاس های چند پایه طراحی شود. همین امر منجر شد که دو مقوله نهایی نیز شناسایی شود که عبارت بود از : ضرورت برنامه ریزی و هماهنگی بین شرایط استانی، فردی و بالندگی آموزشی، این مقوله ها نشان می دهد که در استان گلستان با توجه به شرایط و ملزومات تا چه میزان نیاز است که معلمان کلاس های چند پایه تقویت شوند و توانمندسازی شوند. البته مطالعات مشابه کم و بیش به چنین نتایجی رسیده اند و نظرات متخصصین این حوزه در استان گلستان را تایید می نمایند. تجربیات معلمان در مطالعات مشابه (Dladla, 2020; Mutambala, 2020) مشخص نمود که کلاس های چند پایه دارای چالش هایی شامل کمبود حمایت و منابع مناسب هستند. با وجود این، تجربه های مثبت از آموزش چند پایه نیز گزارش شده است (Dladla, 2020; Mutambala, 2020) که بیان می کند آموزش چند پایه مطلقاً ضعیف تر نیست و جنبه های مثبت دارد. در این مطالعات، پیشنهاد معلمان حتی با وجود شرایط سخت، توانمندسازی آن ها است. نتایج در بخش کمی نیز نشان دهنده معنی دار بودن این اثرگذاری است. همچنین با ضریب تاثیرگذاری ضریب استاندارد ۰/۷۷۰ می توان بیان نمود که ضرورت برنامه توانمندسازی معلمان کلاس های چند پایه در این پژوهش از دید نخبگان و هم چنین معلمان شاغل در این حوزه بالا می باشد و بسیار تاثیر گذار است و از اعتبار مناسب برخوردار است که صورت پذیرد. با توجه به نتایج به دست آمده می توان گفت که هدف محقق شده است و ضرورت توجه به طراحی برنامه درسی توانمندسازی معلمان کلاس های چند پایه تبیین شده است. مطالعات قبلی مشخص نمود که در مدیریت کلاس درس چند پایه توسط آموزگاران، راهنمایی های روشن و صریح آموزگاران در کلاس بیشترین میانگین آماری و زیر نظر گرفتن همه دانش آموزان کلاس های درس چند پایه کمترین اولویت را دارا می باشند. در نتیجه، توصیه می گردد حتی المقدور از رشد کلاس های چند پایه در مدارس روستایی کاسته شود و از مدارس تجمیعی یا شبانه روزی برای حل مشکلات این مدارس استفاده گردد (Hidari, 2021). به نظر می رسد کلاس های چند پایه در عین داشتن محاسنی همچون بالا بودن میزان رشد اجتماعی، سازگاری محیطی، بیان عواطف، روحیه همکاری و پختگی رفتاری دانش آموزان منجر به کمبود وقت، فقدان تجهیزات آموزشی، ضعف بنیه علمی، سنگینی حجم کار آموزگاران و فضای نامناسب آموزشی می شود (Zeinalpoor & Zeinalpoor, 2023). با توجه به وجود کلاس های چند پایه در نظام آموزش رسمی کشور ما، ارائه ساختارها و پشتیبانی های لازم جهت آموزش کیفی در این شرایط، ضروری به نظر می رسد؛ بنابراین تدارک یک برنامه درسی بومی شده برای این کلاس ها یک ضرورت انکارناپذیر است (Taherizade & Shabany, 2019).

در پژوهش های کمی پژوهشگر به بررسی و اندازه گیری جنبه های مشاهده پذیر یک پدیده و در پژوهش کیفی به جنبه های نهفته یک پدیده و درک آن می پردازد. اما به کاربردن هریک از دودسته روش تحقیق کمی یا کیفی به تنهایی پژوهشگر را آن طور که انتظار می رود، نسبت به شناخت بهتر پدیده ها کمک نمی کند. ترکیب نمودن دو دسته تحقیق کمی و کیفی، بررسی درباره پدیده ی مورد نظر شواهد بیشتری برای درک بهتر از آن پدیده بدست می دهد. بنابراین جهت فهم عمیق از ابعاد نهان و آشکار پدیده از طرح تحقیق آمیخته اکتشافی در پژوهش کنونی استفاده شد. طرح تحقیق آمیخته اکتشافی در صدد زمینه یابی درباره موقعیت نامعین می باشد. برای این منظور ابتدا به گردآوری داده های کیفی با استفاده از مصاحبه و بررسی اسناد و سپس به تحلیل داده های گردآوری شده پرداخته شد و پس از آن در مرحله بعدی جهت معتبرسازی یافته های کیفی، به روش پیمایشی با استفاده از پرسشنامه که بر مبنای یافته های حاصل از داده های کیفی ساخته شد، به گردآوری داده های کمی پرداخته و مدل پیشنهادی حاصل از مرحله کیفی مورد آزمون و ارزیابی قرار گرفت تا امکان تعمیم یافته ها در جامعه گسترده تر فراهم آید.

تشکر و قدردانی



از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

مشارکت نویسندگان

مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر می‌باشد. در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

Extended Summary

Introduction

The necessity of designing a curriculum for empowering multi-grade classroom teachers in Golestan Province is a critical issue in the realm of education. Multi-grade classrooms, where students from different grade levels are taught together, are common in rural areas due to economic and logistical constraints. While these classrooms offer benefits such as enhanced social development, environmental adaptability, and cooperation among students, they also present significant challenges, including time constraints, lack of educational equipment, and heavy workloads for teachers (Zeinalpoor & Zeinalpoor, 2023). The professional development of teachers is essential for achieving a desirable future in the education system, as teachers play a pivotal role in preparing students for the complexities of the modern world (Izan et al., 2022; Mojouni & Rahimi, 2024). Educational organizations and schools are key drivers of social, economic, cultural, and political development in any society (Abdollahi, 2023). However, many teachers today are not adequately prepared for the demands of multi-grade classrooms, and professional development programs often fail to address the specific needs of these educators (Zeinalpoor & Zeinalpoor, 2023).

The empowerment of teachers, particularly in multi-grade settings, is crucial for enhancing their knowledge, skills, and attitudes. This is especially important in regions like Golestan Province, where multi-grade classrooms are prevalent due to the geographical and demographic characteristics of the area. The lack of a suitable model for teacher training in multi-grade classrooms has led to confusion and inefficiency in the education system (Izan et al., 2022). Furthermore, the absence of metacognitive skills in educational systems has been identified as a significant gap, as these skills are essential for navigating the complexities of teaching in multi-grade settings (Alvarez, 2018). The need for teacher empowerment is also emphasized in national educational documents, such as the Fundamental Reform Document of Education (Bazrafshan Moghadam et al., 2016).



Multi-grade classrooms are not merely a stopgap solution but are often a deliberate choice in both developed and developing countries to increase access to education in rural areas (Mortazavizadeh et al., 2017). In countries like the United States and Canada, multi-grade classrooms are established not out of necessity but to achieve long-term educational goals (Hamidizadeh, 2022). However, teachers in these settings face numerous challenges, including inadequate educational spaces, limited time, and a lack of resources (Abdollahi, 2023; Akdaş & Kalman, 2021). This study aims to explore the necessity of designing a curriculum to empower multi-grade classroom teachers in Golestan Province, addressing the unique challenges they face and proposing a model for their professional development.

Methods and Materials

This study employed a mixed-methods approach to investigate the necessity of designing a curriculum for empowering multi-grade classroom teachers in Golestan Province. The research was conducted in two phases: qualitative and quantitative. In the qualitative phase, data were collected through semi-structured interviews and document analysis to identify the key elements of an empowerment curriculum for multi-grade teachers. The qualitative data were analyzed using conventional content analysis, which is suitable when existing theories or literature on the subject are limited. This method involves extracting concepts from the data and categorizing them into subcategories and main categories based on similarities and differences.

In the quantitative phase, a questionnaire was developed based on the findings from the qualitative phase. The questionnaire was administered to a sample of 379 multi-grade teachers in Golestan Province, selected using the Krejcie and Morgan table. The data were analyzed using structural equation modeling (SEM) with the Smart PLS software, which is suitable for non-normal data distributions. The model's fit was assessed using various indices, including the standardized coefficient, t-statistic, and Q^2 . The reliability and validity of the questionnaire were also evaluated using Cronbach's alpha, composite reliability (CR), and average variance extracted (AVE).

Findings

The qualitative analysis revealed 21 concepts, 9 subcategories, and 2 main categories related to the necessity of designing an empowerment curriculum for multi-grade teachers. The main categories were "the necessity of planning and coordination between provincial and individual conditions" and "educational growth." The first main category included subcategories such as the need for planning and coordination, the presence of new challenges for teachers, and the necessity of aligning teachers' abilities with existing conditions. The second main category focused on the need for educational growth, including the lack of adequate skill reinforcement and the necessity of improving the quality of education.

The quantitative analysis confirmed the significance of the empowerment program, with a standardized coefficient of 0.770 and a t-statistic greater than 1.96, indicating a statistically meaningful impact. The model's fit indices, including Q^2 (0.774), SRMR (0.0744), and NFI (0.889), demonstrated a good fit for the data. The reliability and validity of the questionnaire were also confirmed, with Cronbach's alpha and CR values above 0.7 and AVE values above 0.5.

Discussion and Conclusion

The findings of this study highlight the critical need for a curriculum designed to empower multi-grade classroom teachers in Golestan Province. The qualitative phase identified several key factors contributing to this necessity, including the lack of a structured program for multi-grade classrooms, the challenges posed by local conditions, and the need for teachers to develop creative and adaptive teaching methods. The quantitative phase confirmed the significance of these factors, demonstrating that an empowerment program would have a meaningful impact on teachers' ability to manage multi-grade classrooms effectively.



The study's results align with previous research, which has shown that multi-grade classrooms present unique challenges, including a lack of resources and support (Dladla, 2020; Mutambala, 2020). However, multi-grade teaching also offers opportunities for positive educational experiences, particularly in terms of social development and cooperation among students (Dladla, 2020; Mutambala, 2020). The findings suggest that while multi-grade classrooms are a practical solution in rural areas, they require specific support structures to ensure the quality of education. This includes the development of a localized curriculum that addresses the unique needs of multi-grade teachers and students.

In conclusion, this study underscores the importance of designing a curriculum to empower multi-grade classroom teachers in Golestan Province. The findings indicate that such a program would not only address the challenges faced by teachers but also enhance the overall quality of education in multi-grade settings. By providing teachers with the necessary skills and resources, the education system can better prepare students for the future, ensuring that they are equipped to navigate the complexities of the modern world. The study's mixed-methods approach, combining qualitative and quantitative data, provides a comprehensive understanding of the issues at hand and offers a robust foundation for future research and policy development in this area.

References

- Abdollahi, B. (2023). Psychological Empowerment: Dimensions and Validation on the Structural Equation Model. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 11(1), 37-63. https://journal.irphe.ac.ir/article_702518.html?lang=en
- Akdaş, M. S., & Kalman, M. (2021). Challenges affecting teaching-learning processes in multi-grade classes: A comparison of pre-pandemic and peri-pandemic periods. *Advances in Global Education and Research*, 4, 1-13. <https://digitalcommons.usf.edu/m3publishing/vol3/iss2021/17/>
- Alimohammadi, G., Jabbary, N., & Niaazari, K. (2019). Professional empowerment of teachers in the future perspective along with a model. *Journal of Educational Innovations*, 18(1), 7-32. https://noavaryedu.oerp.ir/article_88531.html?lang=en
- Alvarez, M. G. (2018). Can character solve our problems? Character qualities and the imagination age. *Creative Education*, 9(2), 152-164. <https://doi.org/10.4236/ce.2018.92012>
- Bazrafshan Moghadam, M., Shoghi, M., & Rahmankhah, R. (2016). The Place of Educational Supervision in the Fundamental Reform Document of Education (FRDE) in the Islamic Republic of Iran. *Foundations of Education*, 5(2), 23-43. https://fedu.um.ac.ir/article_34614.html?lang=en
- Dladla, S. (2020). *Multi-grade teaching: A case study of a multi-grade primary school in a rural context in KwaZulu-Natal* <https://researchspace.ukzn.ac.za/items/fdc676a1-4b7b-4ea0-ae22-2b673a33ce0e>
- Hamidzadeh, K. (2022). Analysis of education in multi-grade classes of COVID-19 pandemic conditions: A case study in Markazi Province. *Journal of Research in Educational Science*, 15(55), 120-132. https://www.jiera.ir/article_145984.html?lang=en
- Hidari, A. (2021). Evaluating the management of multi-grade elementary school classrooms from the perspective of educational leaders. *Journal of Pouyesh in Education and Consultation (JPEC)*, 1399(13), 2-18. https://educationscience.cfu.ac.ir/article_1401.html?lang=en
- Izan, M., Shahri, A., & Ahmadiabadi, A. (2022). The effect of the combined planning approach (central and group) on the level of social skills and academic progress in mathematics of students in multi-grade classes in Piranshahr city. *Educational in Basic Science*, 8(28), 63-74. <https://www.magiran.com/paper/2512056/the-effect-of-the-combined-planning-approach-central-and-group-on-the-level-of-social-skills-and-academic-progress-in-mathematics-of-students-in-multi-grade-classes-in-piranshahr-city?lang=en>
- Mojouni, H., & Rahimi, H. (2024). Investigating the relationship between digital leadership and creative performance mediated by psychological empowerment in teachers. *Journal of Research in Educational Science*, 18(64), 35-54. https://www.jiera.ir/article_198099.html?lang=en
- Mortazavizadeh, S. H., Nili, M. R., Isfahani, A. R. N., & Hassani, M. (2017). Teachers' lived experiences about teaching-learning process in multi-grade classes. *Journal of Education and Learning*, 6(4), 354-363. <https://doi.org/10.5539/jel.v6n4p354>
- Msimanga, M. R. (2020). Teaching and learning in multi-grade classrooms: The LEPO framework. *Africa Education Review*, 17(3), 123-141. <https://doi.org/10.1080/18146627.2019.1671877>
- Mutambala, E. (2020). *The implementation of multi-grade teaching by school managers and teachers in primary schools: A case of Kaputa Desert, Zambia* <https://dspace.unza.zm/items/79dcb0fb-899c-4773-9068-c6d79dd37bcd>
- Taherizade, S., & Shabany, R. (2019). Localized curriculum, undeniable necessity for multigrade classes. *Research in Curriculum Planning*, 63(16), 66-77. <https://sanad.iau.ir/en/Journal/jsre/Article/669709?jid=669709>
- Zeinalpoor, H., & Zeinalpoor, D. (2023). Pathology of training in multi-grade classes, exploring opportunities and threats (Case Study of Makoo City). *Study in Teaching Humanities*, 8(29), 1-19. <https://www.sid.ir/paper/1030078/en>



